

# اینترنت؛ آزمون اعتبار

## عباس عبدي

در جریان انتخابات ۱۴۰۰ نامزدهای انتخاباتی به طور معمول قولها و وعده‌هایی می‌دادند. قابل انتظار است که برخی وعده‌ها مبهم یا حتی فراتر از ظرفیت وعده‌دهنده یا واقعیات باشد، ولی اگر وعده‌های روشن و قابل اجرایی دادند که در عمل نه تنها به سوی تحقق آن حرکت نشد که خلاف آن وعده رخ دهد، در این صورت آنها را چگونه باید تحلیل کرد؟ برای نمونه وعده‌هایی درباره بورس و رونق آن داده شد که اکنون خلاف آن در جریان است. این وعده‌ها را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟ آیا دروغ بود یا صادقانه و ناشی از بی‌اطلاعی نسبت به بورس؟ یا نمونه دیگر و مهم‌تر اینترنت بود. آقای ریسی در جریان انتخابات و درباره اینترنت نکاتی را گفتند که دو نمونه روشن آن چنین است: «من از بچه‌ها در خانه سوال می‌کنم؛ دارید گیم بازی می‌کنید، چقدر وسط بازی که قطع می‌شود حالتان گرفته می‌شود؟ معلوم است که زیرساخت‌ها درست نیست. در دولت مردمی اینترنت با حداکثر سرعت با تامین زیرساخت‌های لازم گسترش خواهد یافت و زمینه‌ای برای شفافیت و نظارت مردم بر عملکرد دولت خواهد بود.» هنگامی که يك نامزد ریاست‌جمهوری حتی با گیم‌های کامپیوتری همدلی می‌کند و نگران سرعت کم اینترنت است، به طریق اولی باید یقین کرد که برای اینترنت به عنوان ابزار کار و پیشرفت و نیز اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی نگرانی بیشتری خواهد داشت. پس چرا و چگونه شده است که بلافاصله پس از انتخابات طرح صیانت در دستور کار مجلس همسو با دولت قرار می‌گیرد و نه تنها موضعی رسمی علیه آن گرفته نمی‌شود، بلکه با سکوت، همراهی می‌شود. مهم‌تر اینکه در عمل نیز شاهد آن هستیم، به‌رغم توسعه مستمر اینترنت در دولت روحانی، اکنون سرعت اینترنت به نحو آزاردهنده‌ای کاهش پیدا می‌کند. به‌طوری که در بهمن ماه رتبه جهانی سرعت اینترنت در ایران، ۷ پله سقوط کرد. به این علت که جلوی افزایش ماهانه ظرفیت را گرفتند. همچنین مسوولان وزارت علوم اعلام کردند: «کندي اینترنت» باعث استرس و فشار روانی شدید در دانشجویان شده است. موضوعی که ربطی به زیرساخت‌ها ندارد، چون در دولت روحانی هر سال سرعت بهبود می‌یافت و ظاهراً این وضع ناشی از اجرای بی‌سروصدای همان طرح صیانت پیش از تصویب قانون است.

آیا وعده‌دهنده آگاهانه خلاف واقع گفته است؟ یا به چنین وعده‌ای صادقانه عقیده داشتند؟ اگر دومی است، پس چرا در جهت مخالف حرکت می‌شود؟ به نظرم ای کاش دروغ می‌گفتند. باید پذیرفت که صادقانه وعده دادند ولی این وعده بی‌ارتباط با یک ذهنیت جامع سیاسی و برنامه اداره کشور داده شده است. به عبارت دیگر چیزهای خوبی که مردم می‌پسندیدند را وعده می‌دادند، در حالی که می‌دانیم تحقق همه چیزهای خوب به علل گوناگون غیرممکن است. همیشه و در عمل از برخی مطلوب‌ها می‌گذریم تا مطلوب‌های بهتر را به دست آوریم. برای مثال افزایش اوقات فراغت و گردش و استراحت یک امر مطلوب است، ولی این در تقابل با افزایش کار و درآمد است. توسعه اینترنت و افزایش سرعت آن مستلزم تن دادن به آزادی گردش اطلاعات و تحلیل است. نمی‌توان یکی را پذیرفت و دیگری را رد کرد. نمی‌شود وعده اولی را داد ولی در عمل مجموعه دست‌اندرکاران حکومت و دولت، هدف دومی را رد کنند.

وضعیت اینترنت و تناقض‌های گفتاری مسوولان با واقعیت و وعده‌های داده شده برای مردم روشن است، ولی در بسیاری از امور این حد از وضوح دیده نمی‌شود. باید گفت که بخش بزرگی از وعده‌های دولت جدید در میدان عمل و اجرا به دلیل این تعارضات فکری دچار مشکل می‌شوند. این وضع محصول همان نکته‌ای است که در هفته گذشته در یادداشت، «این سیاست‌ورزی نیست» نوشتم. تناقضات فکری نواصولگرایان، تمام‌شدنی نیست. لایحه بودجه‌ای را تقدیم مجلس می‌کنند که بدون توافق برجام بخش اصلی گزاره‌های آن اجرایی نمی‌شود و هنگامی که می‌گوییم این بودجه برجامی است، عصبانی می‌شوند. وعده‌های عجیب اشتغال‌زایی می‌دهند و اگر بگویید که این وعده‌ها با سیاست خارجی کنونی تطابق ندارد و اجرایی نیست، ناراحت می‌شوند. شعار مبارزه با فساد سر می‌دهند، ولی اگر بگویید بدون حاکمیت قانون و شفافیت و توسعه رسانه‌های آزاد، مبارزه با فساد ممکن نیست، در عمل به لوازم آن ملتزم نمی‌شوند. شعار مبارزه با گرانی را می‌دهند و اگر بگویید که بدون جلوگیری از افزایش نقدینگی و بدون افزایش تولید و بهره‌وری نمی‌توان جلوی تورم را گرفت، وقعی نمی‌نهند. علیه فقدان کیفیت تولیدات داخلی شعار می‌دهند، ولی به الزامات بهبود کیفیت، یعنی رقابت و آزادی تجارت خارجی تن نمی‌دهند. این تناقضات حتی در شناخت نیروی درونی خودشان نیز موج می‌زنند. هزینه آن نیز به دوش جامعه و مردم است، امیدواریم که کوششی برای کاهش این تناقضات صورت گیرد. وضعیت اینترنت یک آزمون روشن برای بی‌توجهی این جناح به وجود این تناقضات است.

منبع: روزنامه اعتماد 1 اسفند 1400 خورشیدی